

Viola Desmond was an African Canadian woman from Nova Scotia. She lived in a time when black women were expected to be servants in houses, and black men were expected to be servants on trains. From a young age, Viola dreamed of having her own business. By 1946, she was making her dreams come true. Viola was only 32, yet she had her own beauty salon. She had set up a school to train other black women to work in the beauty business. She also had her own line of beauty products.

One day, she was driving across Nova Scotia to make a delivery, but then her car broke down in New Glasgow. She decided to go see a movie while she waited for her car to be fixed. She went to the Roseland Theater. It was a brick building with a sign that lit up at night. She paid for a ticket and went inside. The theater had a main floor and a balcony. Viola sat on the main floor because her eyesight was poor, and she needed to be close to the screen. Just as the movie started to play, she felt a tap on her shoulder. A staff person told her she could not sit there. Her ticket was for the balcony. Viola went back to the ticket booth. She asked for a ticket for the main floor. The ticket seller said, "We don't sell tickets of the main floor to you people." That's when she realized that the balcony was for black people. The main floor was for white people. Viola said that she could not see from the balcony. She put the extra money for a main floor ticket on the counter. The ticket seller would not take it, but she went back to her seat anyway.

That's when the manager came in. He told her to move to the balcony, or he would call the police. Viola told him to go ahead. She wasn't moving. She was doing nothing wrong. Sure enough, the police came. They asked her one more time to move. Viola said no, so the police grabbed her by the arms and took her from the theater. They had to **drag** her.

The police took Viola to prison. She sat up awake the whole night. The next day, she was taken to court. Nobody had told her she could call a lawyer, so she had to defend herself. She didn't know how courtrooms worked, and she was found guilty.

Her husband begged her to forget about what had happened. But Viola took the case back to court. Sadly, she lost once more. But Viola's case brought many people together to fight for equal rights in Nova Scotia. They kept up the battle, and in 1954, **the province** finally got rid of the laws that made it legal to treat black people differently from white people.

**66. It is clear from the passage that.....**

- 1) Viola was born in 1946.
- 2) Viola was a student at a beauty school for black women.
- 3) Viola's car needed repairs when she was making a delivery in Nova Scotia.
- 4) Viola's home was in New Glasgow.

**67. We understand from the passage that...**

- 1) Viola was arrested by the theater manager.
- 2) Nova Scotia had already made new laws treating black and white people equally.
- 3) it was Viola's first time in court.
- 4) Viola's husband was a servant on a train.

**68. Viola spoke on her own behalf in court because....**

- 1) no lawyer would take her case.
- 2) she didn't know that she could call a lawyer to defend her.
- 3) her husband said she didn't need a lawyer.
- 4) she didn't have enough money to pay a lawyer to defend her.

**69. Viola wanted to sit on the main floor of the theater because.....**

- 1) tickets for the balcony were all sold out.
- 2) she couldn't see properly from the balcony.
- 3) she wanted to sit with other black women.
- 4) tickets for the balcony were too expensive.

**70. In paragraph 4, line 5, drag is closest in meaning to..... .**

- 1) push                              2) order                              3) force                              4) pull

**71. In paragraph 6, line 3, the province refers to.....**

- 1) Nova Scotia                      2) Canada                      3) New Glasgow                      4) Roseland **72.**

**Which event happened first?**

- 1) Someone tapped Viola on the shoulder.
- 2) The theater manager talked to Viola.
- 3) Viola understood that black people were allowed to sit in the balcony.
- 4) Viola paid extra money for a theater ticket.

**73. Viola was taken to prison because she .....**

- 1) argued with the police when they tried to remove her from the theater.
- 2) refused to leave an area where only white people were allowed to sit.
- 3) declined to pay extra money for a seat on the balcony.
- 4) did not want to have a seat on the main floor of the theater.

**74. Which statement is NOT true?**

- 1) The Roseland Theater was a brick building.
- 2) While her car was being repaired, Viola went to the Roseland Theater to see a movie.
- 3) The Roseland Theater had a large lighted sign at night.
- 4) 4) The Roseland Theater is in Nova Scotia.

**75. Which event happened last?**

- 1) Viola went back to court.
- 2) Viola`s husband asked her to forget about her arrest.
- 3) Many people started fighting for equal rights in Nova Scotia.
- 4) Viola was found guilty a second time

ویولا دسموند یک زن آفریقایی-کانادایی از کشور نوا اسکاتیا بود. او در دوره ای زندگی می کرد که از زنان سیاه پوست انتظار داشتند در خانه ها بردگی کنند، و از مردان سیاه هم انتظار داشتند در قطارها برده باشند. ویولا دسموند از همان دوران جوانی آرزوی داشتن کسب و کار داشت. در سال ۱۹۴۶ او در حال محقق کردن آرزوهایش بود. او تنها ۳۲ سال داشت که صاحب یک سالن زیبایی بود. یک مدرسه برای آموزش زنان کسب و کار زیبایی به زنان سیاه پوست راه انداخت. او همچنین محصولات زیبایی نیز تولید می کرد. ویولا در نوا اسکاتا برای تحویل دادن یک بسته رانندگی می کرد ماشینش در نیو گلاسگو خراب شد. او تصمیم گرفت تا وقتی که ماشین تعمیر می شود برود و یک فیلم ببیند. او هزینه بلیط را داد و در داخل منتظر ماند. تئاتر یک طبق اصلی و یک بالکن داشت. ویولا در طبقه اصلی نشست چون دید چشمش ضعیف بود و باید نزدیک صحنه می نشست. دقیقا وقتی که فیلم شروع شد یک ضربه روی شانه هایش احساس کرد. یکی از کارکنان به او گفت نمی تواند آنجا بنشیند. بلیط او مخصوص بالکن بود. ویولا به قسمت بلیط ها برگشت. در آنجا برای طبقه اصلی درخواست بلیط کرد. فروشنده گفت «ما بلیط های طبقه اصلی را شماها نمی فروشیم». آنجا بود که فهمید بلیط بالکن مخصوص سیاه پوستان است. او پول بیشتری برای بلیط طبقه اصلی پرداخت کرد. اما فروشنده پول را نپذیرفت، ولی او به هر حال به صندلی خودش برگشت. اینجا بود که مدیر آمد. به او گفت که به بالکن برود، و در غیر این صورت با پلیس تماس خواهند گرفت. ویولا گفت به پلیس زنگ بزند (حتما). او از جایش تکان نخورده بود. او کار اشتباهی نمی کرد. پلیس آمد. یک بار دیگر از او خواستند جابجا شود. ویولا گفت نه، لذا پلیس دست هایش را گرفت و او را از تئاتر بیرون انداخت. مجبور بودند او را بکشند.

پلیس ویولا را به زندان برد. او تمام شب را بیدار ماند. روز بعد به دادگاه فرستاده شد. هیچ کس به او نگفته بود که می تواند با یک وکیل تماس بگیرد، لذا باید از خودش دفاع می کرد. سنی دانست شیوه کار دادگاه چگونه است و لذا گناهار تشخیص داده شد. شوهرش از او خواهش کرد که آنچه اتفاق افتاده است را فراموش کند. اما ویولا پرونده را به دادگاه ارجاع داد. متاسفانه یک بار دیگر باخت. اما پرونده ویولا باعث شد افراد زیادی در نوا اسکاتا برای برابری حقوق مبارزه کنند. آنها به این مبارزه ادامه دادند و در سال ۱۹۵۴ این استان نهایتا قوانینی را که طبق آن سیاه پوستان از سفیدپوستها جدا می شدند حذف نمود.

### ۶۶. از این متن می توان فهمید که ....

(۱) ویولا در سال ۱۹۴۶ متولد شد.

(۲) ویولا در یک مدرسه زیبایی مخصوص زنان سیاه دانش آموز بود.

(۳) ماشین ویولا نیاز به تعمیر داشت وقتی در نوا اسکاتا یک بسته تحویلی داشت.

(۴) خانه ویولا در نیو گلاسگو بود.

### ۶۷. ما از این متن متوجه شدیم که ....

(۱) ویولا توسط مدیر تئاتر بازداشت شد.

(۲) نوا اسکاتا قبلا قوانینی دال بر برابری سیاه پوست و سفید پوست داشت.

(۳) این اولین باری بود که ویولا پایش به دادگاه رسیده بود.

(۴) شوهر ویولا در یک قطار برده بود.

### ۶۸. ویولا در دادگاه خودش از خودش دفاع کرد، چونکه ....

(۱) هیچ وکیلی پرونده او را نپذیرفت.

(۲) نمی دانست که می تواند برای دفاع از خود وکیل بگیرد

(۳) شوهرش به او گفت نیازی به وکیل ندارد.

(۴) پول کافی برای پرداخت به وکیل نداشت.

### ۶۹. ویولا خاست در طبقه اول تئاتر بنشیند چون .....

(۱) بلیطهای بالکن همگی فروخته شده بودند.

۲) از بالکن نمی توانست خوب ببیند.

۳) خواست با زنان سیاه‌پوست دیگر بنشیند.

۴) بلیط های بالکن خیلی گران بودند.

۷۰. در پاراگراف ۴ خط ۵ «کشیدن یا DRAG» نزدیک ترین معنی را به ..... دارد.

۱) هل دادن ۲) مرتب کردن ۳) اجبار کردن ۴) کشیدن

۷۱. در پاراگراف ۶ خط ۳ منظور از استان (PROVINCE) کدام است؟

۱) نوا اسکاتا ۲) کانادا ۳) نیو گلاسگو ۴) روزلند

۷۲. کدام رخداد ابتدا اتفاق افتاد.

۱) شخصی از پشت با دست بر روی شانه های ویولا زد.

۲) مدیر تئاتر با ویولا صحبت کرد.

۳) ویولا فهمید که سیاه‌پوست ها می توانند در بالکن بنشینند.

۴) ویولا پول بیشتری برای بلیط تئاتر پرداخت کرد.

۷۳. ویولا به زندان رفت چون .....

۱) وقتی پلیس ها سعی کردند او را از تئاتر بیرون بیاورند او با آنها بحث کرد.

۲) نپذیرفت که مکانی را ترک کند که تنها سفیدپوست ها اجازه نشستن در آن را دارند.

۳) نپذیرفت هزینه بیشتری برای نشستن در بالکن پرداخت کند.

۴) نخواست در طبقه اصلی تئاتر بنشیند.

۷۴. کدام جمله صحیح نیست؟

۱) تئاتر روزلند یک ساختمان آجری بود.

۲) وقتی ماشینش در تعمیر بود به تئاتر روزلند رفت تا فیلم ببیند.

۳) تئاتر روزلند علامت نور بزرگ در شب داشت.

۴) تئاتر روزلند در نوا اسکاتا قرار دارد.

۷۵. کدام رخداد در آخر اتفاق افتاد؟

۱) ویولا به دادگاه برگشت.

۲) شوهر ویولا از او خواست قضیه دستگیریش را فراموش کند.

۳) بسیاری از افراد در نوا اسکاتا برای برابری حقوق شروع به مبارزه کردند.

۴) ویولا در دادگاه دوم هم گناهکار شناخته شد.

4

1

1

2

4

3